



داشته باشد. حکومت تنها اقتدار، پول، زور، زندان و فروش نفت نیست. حکومت به سرمایه اجتماعی عظیم بین‌نسلی محتاج است وگرنه با شکاف عمیقی که بین خود با ملت یافته و موقعیت متزلزل، انزوا، دشمن‌تراشی بین‌المللی و ناکارآمدی از حد گذشته، دیر یا زود، اگر نه با فشار مردم یا توطئه بیگانگان که از درون خواهد پوسید و به فروپاشی می‌انجامد.» و در ادامه تاکید دارد که این اظهارات تهدید و آرزوآندی نیست، بلکه هراسی است که از سر نگرانی عمیق، صریح‌تر از پیش با مردم و حاکمان در میان گذاشته شده است: «ما در عین حال که به سیاست موجود بدبین هستیم و البته این بدبینی متأثر از تجربه زیسته ما در همه این سال‌هاست اما هم‌زمان به انسان و نیروی شگرف و توان پیچیده او هم در ساخت حاکمیت و هم در ساحت اجتماع ایمان و باور داریم. توافق با مردم، تعامل با ایشان و تمکین به نیازهای بحق مردم و احترام به عزت نفس جوانان در عمل و با سازوکارهایی که حکومت در اختیار دارد، امری غریب نیست. ساختار فعلی، هم در ابعاد حقیقی و هم حقوقی در کنار رفتار غیرقابل قبول و نهادهای غیرپاسخگو در جریان حاکم، نیاز به تغییر و اصلاح بنیادین دارد، و الا تاریخ سنت خود را در قبال ما تغییر نخواهد داد و عبرت آن خواهیم شد.»

همچنین بازنشر توثیقی دیگر از انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران نسبت به سیاست‌های اتخاذشده در قبال دانشگاه‌ها در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ دیگر موضوع مورد نقد از سوی مخالفان وی است. حال آنکه ظرقندی در دفاع از برنامه‌هایش در مجلس تاکید داشت که یاد گرفته حامی مردم باشد و اظهار داشت که «با التزام به قانون اساسی، پایبندی به تمام اصول آن به پشتوانه رای مردم به رئیس‌جمهور و حمایت مقام معظم رهبری از رئیس‌جمهور، آماده‌ام با رای مجلس محترم، مسئولیت وزارت بهداشت را بر عهده بگیرم.»

▼ احمد میدری؛ ناآرامی‌ها نتیجه رابطه نامناسب دولت-ملت



میدری، دیگر عضو کابینه پزشک‌های است که به دلیل مواضع سیاسی‌اش مورد نقد نمایندگان مجلس قرار گرفت. نخستین دلیل، امضای نامه معروف به «جام زهر» در مجلس ششم بود که در بخشی از آن درخواست شده بود مسئولان حاکمیت صادقانه از مردم در قبال قصورها و سوءتدبیرها پوزش بخواهند و تاکید کردند که این عذرخواهی به معنای شسکت و عقب‌نشینی از مواضع اصولی نیست، بلکه نشانه فروتنی و بزرگواری است. دیگر انتقاد نمایندگان مجلس به میدری در جریان اتفاقات سال ۸۸ بوده است، عباس گودرزی در مخالفت با حضور میدری گفته بود که نباید به سادگی از مسئله کسانی که در فتنه ۸۸ سهم داشتند عبور کرد. وی معتقد بود: «سران فتنه (سران معترض در سال ۸۸ به نتایج انتخابات) به دلیل رأفت اسلامی در حصر هستند وگرنه باید با اشد مجازات با آنها برخورد می‌شد.» و میدری هم نزدیک به همین جریان است. میدری عضو مکتبی به نام «دین و اقتصاد» بود که در دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد سیاست‌های اقتصادی او را به شدت نقد می‌کرد؛ مکتبی که در ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی بازوی اقتصادی او بودند و میدری نیز در ستاد میرحسین حضور داشت. میدری حامی عملکرد اقتصادی میرحسین بود. نام میدری در بیانیه حمایتی ۱۴۲ اقتصاددان در حمایت از میرحسین موسوی نیز وجود داشت؛ بیانیه‌ای کاملاً اقتصادی که با اشاره به وضعیت نگران‌کننده شاخص‌های اقتصادی از جمله «تورم، بیکاری، رکود، فقر، نابرابری، خروج سرمایه انسانی، تحدید فضای کسب و کار و افزایش سهم واردات» چنین وضعیتی را به دلیل «فقدان پارادایم فکری جهت‌دار و باثبات درباره توسعه کشور، روی آوردن به سیاست‌های کوتاه‌نگر و زودبازده، دامن زدن به مطالبات، توجه سیاسی و ابزاری به طرف تقاضای اقتصاد، بدون توجه به طرف عرضه و اشتغال و غفلت از نگاه بلندمدت به اقتصاد ایران» مطرح می‌کرد. نام او در لیست حمایتی ۳۶۵ نماینده ادوار مجلس از میرحسین موسوی نیز قرار داشت. البته میدری در همه این دوران پیش از برگزاری انتخابات به بیان نظرات آن هم بیشتر تخصصی و در حوزه اقتصاد پرداخته بود.

میدری در خصوص نظراتش نسبت به اعتراضات سال ۱۴۰۱ چندان بازخواست نشد؛ نظراتی که کاملاً مبنای علمی و پژوهشی داشت و دلایل اقتصادی بروز اعتراضات متوالی در کشور بویژه پس از سال ۹۸ را تشریح می‌کرد. وی در نشست مرکز پژوهش‌های اتاق ایران که به بررسی تحولات آن سال می‌پرداخت، نظرات خود را درباره دلایل بروز اعتراضات بیان کرد. تاکید میدری در اظهارات خود بر این بود که این ناآرامی‌ها نتیجه رابطه نامناسب دولت-ملت است و هر بهبودی در آن نیازمند توجه به دو سوی این رابطه است. وی با اشاره به مطالعات صندوق بین‌المللی پول که روند ناآرامی‌ها در جهان را فراینده اعلام کرده بود، ایران را نیز از این قاعده مستثنی ندانست. تحلیل میدری درباره

شوک آزادسازی قیمت اقلام خوراکی در دولت سیزدهم یکی از دلایل اقتصادی خشم و اعتراض مردم در سال ۱۴۰۱ را که البته بیشتر جنبه اجتماعی و مدنی داشت توجیه می‌کرد: «اولین اقدام دولت رئیسی تغییر قیمت خوراکی‌ها بود. حجم پول ناشی از آزادسازی قیمت در این بخش حدود ۲۱۰ هزار میلیارد تومان بود در حالی که حجم پول ناشی از آزادسازی قیمت بنزین در زمان دولت روحانی ۶۰ هزار میلیارد تومان بود. یعنی شوکی سه‌ونیم برابر نسبت به شوک آبان ۹۸ وارد شد که خود آن هم در آن سال با اعتراضات گسترده روبه‌رو بود.»

▼ هشدار طیب‌نیا



طیب‌نیا دیگر چهره سیاسی-اقتصادی در دولت چهاردهم است که از زمان اعلام حضور وی در تیم پزشک‌های انتقادات به سمت او نیز روانه شد، البته نه به دلیل حوادث سال ۸۸ و ۱۴۰۱، بلکه به دلیل حضورش در کابینه خاتمی و روحانی. عده‌ای نیز تلاش کردند بین او و ظریف اختلاف بیاندازند و سطح تنش را بالا ببرند. کیهان در مطلبی در انتقاد به انتخاب طیب‌نیا در تیم اقتصادی دولت نوشته بود: «این انتقاد یعنی سیاست برای اقتصاد تصمیم خواهد گرفت؛ همان کاری که دولت خاتمی هم انجام می‌داد.» علی طیب‌نیا، یکی دیگر از اساتیدی بود که در نشست «خانه گفت‌وگوی دانشگاه تهران» نظراتش را درباره وقایع سال ۱۴۰۱ مطرح کرد. او در صحبت‌های خود گفت که انتظار ریشه‌یابی از حوادث وجود دارد و باید مشخص شود که چرا در مقاطع مختلف با آشوب و شورش مواجه می‌شویم. طیب‌نیا معتقد بود که در تداوم تحركات قبلی، چنین حادثه‌ای نیز رخ می‌دهد و در توضیح آن گفت: «با انباشتی از مشکلات در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی مواجه هستیم که هر زمان به شکلی خود را نشان می‌دهد؛ یک روز با افزایش بنزین قیمت، یک روز با حذف باران‌ها و یک روز به بهانه فوت خانم مهسا امینی خود را نشان می‌دهد و اینها یک بهانه است.» وی در بخش دیگری از صحبت خود نیز به مسائل اقتصادی که دلیلی بر چنین اعتراضاتی است اشاره کرد: «چیزی حدود ۴۰ سال است که درآمد سرانه در ایران نه‌تنها افزایش نداشته بلکه کاهش پیدا کرده است. بیکاری و مجلس عضو مشکل جدی است، با تورم‌های ۵۰ تا ۶۰ درصدی مواجه هستیم، جوانان، آینده روشنی برای خود نمی‌بینند و از کسی که آینده روشنی ندارد و چیزی ندارد که از دست بدهد، انتظاری بیشتر از این نمی‌توانید داشته باشید. علت بروز مشکلات را باید در نظام تدبیر خود جست‌وجو کنیم. ما یک نظام تدبیر شایسته در حوزه سیاست داخلی و خارجی و مسائل اقتصادی نداریم و این معلول فقدان یک نظام تدبیر شایسته در کشور است. وقتی که مردم با مشکلات جدی در تأمین معاش خود مواجه باشند به همین روش‌ها خود را نشان می‌دهد. به هر حال باید برای شیوه اداره کشور فکری بکنیم. اگر این روش ادامه پیدا کند مرتب باید شاهد اتفاقات و حوادث مشابهی هر بار با شدت بیشتر باشیم. امیدوارم حوادث اخیر حرفه‌ای باشد برای اینکه در حوزه مسائل مختلف فکر کنیم.»

▼ سیدرضا صالحی امیری؛ سند بیاورید!



وزیر میراث فرهنگی و گردشگری، دیگر چهره مورد انتقاد تندروها به حضورش در کابینه چهاردهم بود. علی خضریان، نماینده تهران در مخالفت با این انتخاب گفته بود که او در زمان فتنه ۸۸ پرونده دارد و او جزو کسانی است که نامه‌ای به وزیر اطلاعات نوشتند تا وضعیت کشور را پیش رهبری بد جلوه دهند. نامه‌ای که در دولت روحانی نیز بر علیه او و در مخالفت با حضورش در کابینه روحانی استفاده شد. در آن زمان محمد آشوری‌تازبانی، نماینده بندرعباس در واکنش به استناد به این نامه در مخالفت با صالحی امیری گفته بود وی نامه دومی نیز نوشته است که قابل استناد است. بنابراین هیچ شائبه‌ای از نظر نوشتن این نامه وجود ندارد. صالحی امیری نیز در دفاع از خود گفته بود به جرمی که مرتکب نشده‌ام، اعتراف نخواهم کرد. از مواضع صالحی امیری درباره اعتراضات سال ۱۴۰۱ مطلب خاصی در دسترس نیست. جالب آن است که آن نامه‌ها هر چه باشد که صالحی امیری آن را رد کرده است؛ یا توجه به وضعیت آن دوران و جایگاه این افراد احتمالاً در مسیر آرام‌سازی بوده نه افزایش تنش در کشور حتی اگر به قولی سیاه‌نمایی به شمار آید.

▼ محمدجعفر قائم‌پناه؛ پزشک منتقد



او معاون اجرایی رئیس‌جمهور است. اظهارنظرهایش درباره اتفاقات سال ۱۴۰۱ منجر به انتقاد تندروها به وی شد. کیهان در انتقادی به این انتخاب پزشک‌های نوشته بود: «قائم‌پناه در اثناي اغتشاشات ۱۴۰۱، در اظهارنظری عجیب و در حمایت از آشوب‌آفرینان، در اظهارنظری دروغ و التهاب‌آفرین

مدعی آسیب به بینایی و تخلیه چشم بسیاری از افراد در اثناي آشوب‌ها به واسطه شلیک و برخورد نیروهای امنیتی و دولتی شد.» اما قائم‌پناه از دیدگاه پزشکی نحوه مواجهه با معترضین را بررسی کرده و گفته بود تعداد زیادی از جوانان به دلیل اصابت تیر ساچمه‌ای دچار آسیب شدند و متأسفانه چشم خیلی از مراجعان تخلیه شده است. وی در ادامه به آسیب‌های اجتماعی تخلیه چشم اشاره کرده و گفته بود تخلیه چشم با کشته شدن داستان متفاوتی است و این جوانان تا آخر عمر در جامعه در حال زندگی هستند و تاکید کرده بود که این سلاح‌های ساچمه‌ای مخصوص عوامل دولتی است و به عنوان یک پزشک از مسئولان امنیتی تقاضا کرد که جلوی اینگونه خشونت‌ها را بگیرند. از قائم‌پناه مواضع و اظهارنظری نسبت به حوادث سال ۸۸ وجود ندارد. پس عملاً این سخنان هم نه در راستای تندتر شدن آتش التهابات بلکه کاهش آسیب‌ها و آرام‌سازی کشور بوده است.

▼ سایر چهره‌ها



یکی از بهترین انتخاب‌های دولت پزشک‌های با وجود انتقادهایی که به کابینه وی وارد بود، در حوزه وزارت بهداشت رخ داد؛ از وزیر پیشنهادی گرفته تا در ادامه معاونینی که در این وزارتخانه منصوب شدند، چهره‌های شاخص نظام پزشکی بوده و هستند که عملکرد آنها در عرصه بهداشت، قابل توجه بوده است اما اصولگرانی که نگرش سیاسی این افراد را پررنگ‌تر از نگرش علمی و تخصصی آنها می‌دیدند، با همین رویکرد دست به تخریب این چهره‌ها نیز زدند. علاوه بر ظفرقندی، وزیر بهداشت، حسین کرمانپور، سرپرست وزارت بهداشت نیز در معرض انتقادات تند و تیز اصولگراها قرار گرفت. خبرگزاری مهر در گزارشی با تیتیر «تریبون اغتشاشگران در جایگاه روابط عمومی وزارت بهداشت» این سوال را مطرح کرده بود که «آیا قرار است وزارت بهداشت محلی برای جاگیری عوامل مسئله‌دار و زاویه‌دار با انقلاب در موقعیت‌ها باشد و با وزارتخانه‌ای حاشیه‌مدار مواجه خواهیم بود؟» برخی نیز کرمانپور را به تولید اخبار جعلی نسبت به اعتراضات ۱۴۰۱ متهم کرده بودند، گلایه آنها به حقایقی بود که کرمانپور درباره مجروحان اعتراضات ۱۴۰۱ بر زبان آورده بود؛ از جمله وضعیت مصدومان، بر شمردن بیشترین آسیب‌ها که به ناحیه چشم و سپس به ریه‌ها بوده‌اند و در واقع به قول علی شکوری‌راد، سخنگوی جبهه اصلاحات «او به جرم صراحت در دفاع از حریم پزشکی، خانه‌نشین شد.» منتقدین به کرمانپور در حالی او را به دروغ‌پراکنی و آراسته شدن به فتنه متهم می‌کردند که مهمترین مطالبه کرمانپور در جریان اعتراضات، دفاع از سلامتی و جان انسان‌ها بود؛ به‌خصوص زمانی که یک گاز اشک‌آور به داخل بیمارستان سینا پرتاب شده بود و وی در حساب کاربری خود به این موضوع که بیمارستان، پناه امن مصدومین است گلایه کرده بود.

منتقدین دولت، حتی به انتصاب سرپرست‌ها نیز تندترین انتقادات را وارد کردند. نفیسه زارع‌کهن، سرپرست اداره کل حوزه سخنگوی دولت یکی دیگر از کسانی بود که پس از اعلام خبر انتصاب‌اش به سرپرستی این اداره کل مورد هجمه تندروها قرار گرفت. او در سال ۸۸ بازداشت شده بود اما در تمام این سال‌ها به فعالیت عادی و حرفه‌ای خود ادامه داده بود. انتقادات و تحركات غیراخلاقی بر علیه زارع‌کهن تا جایی پیش رفت که او را وادار به واکنش کرد. وی در پاسخ به کسانی که عکسی را به دروغ در فضای مجازی منتشر کرده و به او منتسب کرده بودند، پاسخ داد که «این مدعیان اسلام را به رعایت تقوای الهی فراموش می‌خوانم!»

▼ پایان سخن

شاید اشاره به مسعود پزشک‌های که خود او نیز در گرداب مدعیان دلسوز کشور و حکومت گرفتار شده بود، خالی از لطف نباشد. همانطور که خود پزشک‌های اعلام کرد در جریان ثبت‌نام انتخابات مجلس دوازدهم، ابتدا صلاحیت او را به دلیل عدم التزام به اسلام رد کردند. با مروری بر رشدی‌ترین انتقادهایی که در پی روی کار آمدن کابینه دولت چهاردهم مطرح شده است، اینگونه به نظر نمی‌رسد که مخالفان این دولت چندان تمایلی به سرانجام رسیدن شعار وفاق ملی که شعار محوری این دولت است، داشته باشند؛ آنجا که چهره‌های منتسب به اصولگرا روی کار آمدند، زبان به سکوت گرفتند و در نقطه مقابل شدیدترین اتهامات و انتقادات امنیتی را وارد کردند. حال آنکه مرور آنچه در نقطه نظرات این افراد مطرح است نشان می‌دهد دغدغه مشترک همه آنها ایرانی سالم، امن، آزاد و آرام است که همه انسان‌ها با هر گرایش و تفکر و بینشی در آن بتوانند زندگی کنند و البته سخنان آن‌ها در همان برهه‌هایی که منتقدان مطرح می‌کنند هم در راستای کاهش التهابات است. در صورتی که این گروه اکنون در نقطه مقابل وفاق ملی قرار گرفتند، وفاق ملی به معنی توان همراهی در کنار طیف مخالف است و معتمد بودن به آن چیزی که دانماً ادعای آن را دارند؛ ادعای اعتلای ایران!

سیاست وفاق ملی یا تخریب پل‌های پشت‌سر



سیمین غافل

روزنامه‌نگار

تفکر سیاست وفاق ملی که از سوی رئیس‌جمهور به عنوان سیاست کلی برای اداره دولت چهاردهم مطرح شد؛ سیاستی قدیمی در تاریخ‌تئوری‌های سیاسی دنیا به شمار می‌رود. به طور ساده معنی آن این است که رئیس‌جمهور دولت از هر جناح و تفکری که باشد به جای خالص‌سازی دولت با همفکران سیاسی خود دست به یک تعامل و بده‌بستان سیاسی با دیگر جناح‌های قدرتمند کشور می‌زند و در ازای سپردن تعدادی از مناصب و پست‌های مهم، همکاری و همراهی آن‌ها را در تمامی ارکان قدرت برای پیشبرد اهداف خود جلب می‌کند.

در اینکه «مسعود پزشک‌های» شخصیتی به واقع اصلاح‌طلب است هیچ تردیدی وجود ندارد اما وی پس از کسب کرسی ریاست‌جمهوری به این تفکر و برنامه سیاسی روی آورد که دولت وفاق ملی تنها راه نجات کشور و مردم از مشکلات موجود به شمار می‌رود. او به این نتیجه رسیده که یک دولت یکدست اصلاح‌طلب هر چقدر بتواند باعث رضایت همفکران، حامیان و طرفدارانش در کوتاه‌مدت شود ولی از آنجایی که طیف اصولگرایان که امروزه اکثریت مطلق ارکان تصمیم‌ساز و قدرتمند کشور را در اختیار دارند اجازه نخواهند داد وی به هیچ‌کدام از وعده‌هایش عمل کند؛ این رضایت اولیه خیلی زود به علت عدم حل مشکلات کشور به نارضایتی منجر می‌شود.

پزشک‌های در تبلیغات انتخاباتی‌اش به مهم‌ترین مشکلات مردم اشاره کرد و قول به رفع آن‌ها داد؛ مشکلاتی از قبیل بحران اقتصادی و بیکاری که ناشی از تحریم‌ها است. همچنین فیلترینگ، گشت ارشاد، FATF... مورد اشاره پزشک‌های قرار گرفت و او به این نتیجه رسیده که با ایجاد دولت وفاق ملی و سهیم کردن اصولگرایان در دولت، می‌تواند مشکلات موجود را برطرف کند. اما موضوع واگذاری حساس‌ترین پست‌ها و سمت‌های دولتی و واگذاری آن‌ها به رقبای طرف مقابل، باعث سرخوردگی و ناامیدی گسترده‌ای در میان مردم به‌خصوص فعالان سیاسی و ستادی و حامیان پزشک‌های در سراسر کشور شده است و بنا به همین دلیل قصد داریم از لحاظ سیاسی در این نوشته آثار و تبعات این اقدام رئیس‌جمهور را بررسی کنیم و به طور ساده و خلاصه بگوییم که اگر رئیس‌جمهور در یک تعامل پشت پرده با جناح‌های مقابل به این توافق رسیده باشد که در مقابل واگذاری این پست‌ها به رقبای آنان نیز در حل مشکلات روز کشور با دولت همکاری کنند و جناح‌های مقابل به قول وعده خود عمل نمایند و مشکلات پیش‌گفته در کوتاه‌مدت حل شود این موضوع قطعاً باعث رضایت‌مندی جامعه خواهد شد.

واقع‌بینانه باید بگوییم در آن صورت برای عموم مردم چندان تفاوتی نمی‌کند که اسکندر مومنی اصولگرا وزیر کشور باشد یا عبدالله نوری اصلاح‌طلب. هر چند دلخوری نخبگان اصلاح‌طلب با برجا خواهد ماند و در آن صورت باید گفت که مسعود پزشک‌های در دوره دوم انتخابات ریاست‌جمهوری می‌تواند امیدوار به رأی مستقیم مردم بوده باشد و نگرانی از عدم همراهی فعالان تشکیلاتی اصلاح‌طلب نداشته باشد اما اگر جناح مقابل نخواهد به وعده‌های خود عمل کند و در حل این مشکلات همکاری نکند، باید گفت که یک فاجعه سیاسی بزرگ رخ خواهد داد که بازنده آن نه‌تنها مسعود پزشک‌های بلکه کلیت نظام خواهد بود چرا که در آن صورت عدم حل مشکلات پیش‌گفته بر اساس چیزی که مردم می‌بینند اعتماد آن‌ها به گفتمان اصلاح‌طلبی یک کاندیدای ریاست‌جمهوری و حمایت گسترده مردم از او و نشاندن او بر کرسی ریاست‌جمهوری و سپس اقدام در مسیری ۱۰۰ درصد مخالف شعارها و برنامه‌هایی که اعلام نموده و عدم حل مشکلات مهم جامعه خواهند بود. در آن صورت متأسفانه دیگر هیچ امید و امکان حداقل از نظر عقلی به ذهن نمی‌رسد که بتوان مردم را به پای صندوق‌های رای به‌عنوان نماد مشروعیت نظام کشاند. یعنی حتی براساس اصل «حفظ نظام واجب است» اگر نظام نخواهد پس از پزشک‌های یا به خود پزشک‌های در دور دوم این اختیار را برای انجام یک اصلاحات تمام‌عیار مورد توجه مردم قرار بدهد متأسفانه دیگر کمتر کسی را می‌توان قانع کرد که برای حل مشکلات فقط یکبار دیگر پای صندوق رای بیایند و اینگونه است که بیش از پزشک‌های این نظام جمهوری اسلامی ایران است که دچار خسارت و زیان می‌شود. در نتیجه باید اذعان کرد حال که رئیس‌جمهور با تحمل سرزنش‌های حامیان و طرفداران خود صادقانه به شعار وفاق ملی و واگذاری حساس‌ترین پست‌های دولتی به جناح مقابل، عمل کرده است آن‌ها نیز برای حفظ تقویت نظام جمهوری اسلامی به وظایف و مسئولیت‌ها در چار چوب دولت وفاق ملی عمل خواهند کرد.